

## جون، غلام با بصیرت و خوش بوی کربلا

دکتر علی فارسی مدان<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱

### چکیده

جون غلام فضل بن عبدالله بن عبدالمطلب بود که امام علی علیه السلام او را خرید و به ابوذر بخشید. هنگامی که ابوذر در ربذه فوت کرد؛ به مدینه برگشت و به حضرت علی علیه السلام پیوست، سپس به خدمت امام حسن علیه السلام آمد و بعد از ایشان نیز همراه امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و سپس از مکه به سمت عراق رفت. جون در کربلا کنار خیمه امام حسین علیه السلام به تعمیر و اصلاح شمشیر امام علیه السلام و یارانش پرداخت. با وجود اینکه امام علیه السلام او را مرخص کرد اما او با بصیرت و وفاداری در کنار امام علیه السلام ماند و با شجاعت به شهادت رسید.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، ابوذر غفاری، جون، کربلا.

### مقدمه

یکی از نکات قابل توجه در واقعه عاشورا، تنوع یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام است. یارانی که از همه نژادها، مذاهب و ملیت‌ها بودند. بدین جهت امام علیه السلام فرمودند: «فَاتِي لَا

۱. فارغ التحصیل سطح چهار حوزه علمیه قم. alifarsimadan98@gmail.com

أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ آبِرٍ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا؛ من یارانی با وفاتر از یاران خود سراغ ندارم، و بهتر از ایشان نمیدانم، و خاندانی نیکوکارتر و مهربان‌تر از خاندان خود ندیده‌ام، خدایتان از جانب من پاداش نیکو دهد» (نک. ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۹۱/۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۹۱/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۴۵۵). دلیل این توصیف و جاودانگی آن است که در دیدگاه امام علیه السلام ملاک و معیار، شایستگی و لیاقت است و سنت‌ها و آداب غلط جاهلی مانند نژادپرستی در کربلا و بین عاشورائیان جایی ندارد.

امام حسین علیه السلام به عنوان مفسر قرآن کریم و ادامه دهنده سنت نبوی، از آموزه‌های قرآنی پیروی کرده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). از منظر قرآن؛ گرامی‌ترین و بزرگوارترین افراد نزد خداوند باتقواترین آنها است و فضیلت و برتری با «حسب و نسب» و «فخرفروشی» نیست (قمی، ۱۴۰۴: ۳۲۲/۲؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۴۳۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۳۶۱). کربلا مصداق تابلویی است که این آیه شریفه در آن متبلور گشته است. در این میان می‌توان به جون، غلام ابوذر اشاره کرد که در عاشورا جاودانه شد. این مقاله بر آن است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شخصیت «جون» و سرگذشت وی بپردازد.

### مفهوم شناسی

**الف) جون:** با فتح و سکون واواز لغات اضداد و به معنی سیاه و سپید است. در این نوشتار جون نام غلام سیه‌چرده ابوذر است که در کربلا با امام حسین علیه السلام به شهادت رسید (برقی، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۴).

**ب) ابوذر غفاری:** در نام ایشان اختلاف است، بنا بر قول مشهور نام او جندب بن جناده بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴/۱۶۵). وی از ارکان اربعه شیعه<sup>۱</sup> بوده است (کشی، ۱۴۰۴: ۳۳/۱؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۵۹). ابوذر از پیشتازان اسلام و از جمله افرادی است که بعد از سه، چهار و یا پنج نفر اسلام آورد و از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شد (ابن عبد البر، ۱۴۱۲:

۱. این چهار نفر شامل «سلمان، مقداد، ابوذر و حذیفه بن یمان» است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۱۷).

۲۵۲/۱). عالم وزاهد بود و در گفتار و عمل صداقت داشت و کلام حق بر زبان جاری می‌ساخت (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴: ۳/۹۹۶؛ ابن عماد، ۱۴۰۶: ۱/۱۹۶). سرانجام در سال ۳۲ ق در زمان خلیفه سوم (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۲) در ریزه فوت کرد (امین، ۱۴۰۳: ۴/۲۲۵).

**ج) بصیرت:** بصیرت از واژه بصر گرفته شده است. ابن فارس (۱۴۰۴: ۱/۲۵۴) بصیره را به دو شاخه معنایی ۱- علم - برهان، سیر، روشن بودن؛ ۲- درستی و زمختی تقسیم کرده است. ابن منظور (۱۴۱۴: ۴/۶۶، ۶۵) نیز در ذیل لغت «بصر» برای بصیرت معانی‌ای مانند، «حجت و برهان، عقیده قلبی، هوش و زیرکی، عبرت، شناخت، یقین» بیان کرده است. بصیرت به معنای بینائی و روشنائی دل، چشم دل و جهت بخش زندگی است و کسی که بصیرت دارد می‌تواند با حجت، برهان و عقل راه درست و سعادت را پیدا کند، در راه دین قدم بردارد و گمراه نشود.

#### تبارشناسی

در تاریخ برای جون از نظر تبارشناسی و سلسله نسب، توضیحی نیامده است، شاید بدان علت باشد که وی برده اسیر از بلاد عجم بوده و در معرض خرید و فروش قرار گرفته است. از این رود اصل و نسب جون، چیزی در کتاب‌های تاریخی نیامده است و تنها به همین مقدار بسنده شده است که او غلامی سیاه پوست بوده و در کربلا به شهادت رسید (ناظم زاده، ۱۳۹۲: ۳۴۳-۳۴۴). با مطالعه اسناد و گزارش‌های مختصر تاریخی نکات ذیل روشن شد:

(۱) **اسم:** در مورد نام وی چند اسم مختلف ثبت و ضبط شده که شامل اسامی حوی (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۰۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۱۸۵)؛ جُوین (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۹۳)؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۴۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۱۰۳)؛ عون (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲/۵۷۶)؛ جَوْن (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۳۹)؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۶۳)؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵

۱. البصر: نوعی که می‌بیند (چشم و دیده) ... بصیره و بصر: نیروی بینائی چشم و قدرت ادراک دل است (راغب، ۱۳۷۴: ۱/۲۷۵).

۷۱/۴۵؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۳۳۸/۱۷؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۹۹) است. نام جون از میان اسامی مشهورتر است و در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا<sup>۱</sup> و زیارت امام علیه السلام در اول ماه رجب و نیمه شعبان (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۷۱۳/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۰/۹۸) به این نام سلام داده می‌شود.

(۲) **نام پدر:** در مورد پدر جون، اسامی *حَرِي* (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۷۸/۳)؛ *حُوِي* (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۰/۹۸) و *أَبِي مَالِكِ* (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۳/۴) ذکر شده است.

(۳) **مکان و سال تولد:** هیچ گزارش تاریخی در مورد سال تولد وی یافت نشد. یکی از مترجمان می‌گوید: «این بار جوانی پرشور به نام «جون» غلام ابوذر غفاری بود که به حضور سالار شایستگان آمد و از آن حضرت اجازه میدان خواست» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۱)؛ این کلام درست نیست؛ زیرا روشن است او بعد از رحلت ابوذر در خدمت امام علی علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام بوده، لذا جوان نبوده بلکه در کربلا، «شیخی سالخورده بود» (ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۴۵). مکان تولد جون، *نُوبَه*<sup>۲</sup>، منطقه‌ای در آفریقا بیان شده است. در مورد مکان دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی *نوبه* را واقع در سودان می‌دانند که بلال حبشی (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۳۵/۱)، لقمان حکیم (شیروانی، ۱۳۱۵: ۵۹۵) و مادر امام جواد علیه السلام (مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۳/۲) جزو مردمان آن دیار هستند و برخی دیگر آن را کشور وسیعی در جنوب مصر (حموی، ۱۹۹۵: ۳۰۹/۵) و نقطه غربی رود نیل می‌دانند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۱).

(۴) **مذهب و ویژگی‌ها:** بنا بر گزارش مورخان و نویسندگان، دین همه اهالی *نُوبَه* نصرانی است (حموی، ۱۹۹۵: ۳۰۹/۵؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۱). *نَصَارَى* یا نصرانی، پیروان و اصحاب حضرت عیسی علیه السلام هستند (راغب، ۱۳۷۴: ۳۴۹/۴؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۷۴/۷). بنا بر گزارش مورخان، احتمالاً جون ابتدا نصرانی بوده اما آشنایی با جناب ابوذر و اهل

۱. نک. السَّلَامُ عَلَيَّ جَوْنِ مَوْلَى أَبِي ذَرِّ الْغَفَارِيِّ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۵۱)؛ السَّلَامُ

عَلَيَّ جُونِ بْنِ حَرِيٍّ مَوْلَى أَبِي ذَرِّ الْغَفَارِيِّ (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۷۸/۳).

۲. بضم أوله، و سکون ثانيه، و باء موحده.

بیت علیه السلام باعث شد ایشان نیز شیعه و مُحب اهل بیت علیهم السلام شود. گرچه در محفل شهدای کربلا همه قومیت‌ها و مذاهب و ملیت‌ها وجود داشتند.

از خصوصیات بارز جون و منطقه نُوبَةُ آن است که «بسیار تعظیم و احترام پادشاه و بزرگ خود را نگاه می‌دارند» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۲)، مردمانش شجاع، دلیر و وفادارند (شیروانی، ۱۳۱۵: ۵۹۵). پیامبر صلی الله علیه و آله در تعریف و توصیف آنان فرمودند: «خَيْرُ سَبِيكُمُ التُّوْبَةُ» (حموی، ۱۹۹۵: ۳۰۹/۵؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۱). سبیکه در لغت به معنای قطعه و پاره‌ای از نقره و طلاست (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۶۹/۵؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۴۷۶). یک احتمال دیگر نیز وجود دارد که «سبیکه» مادر امام جواد علیه السلام نیز اهل آن منطقه باشد زیرا به سَبِيكَةُ التُّوْبِيَّةُ معروف است (اربلی، ۱۳۸۱: ۲/۳۵۱). حتی نام دیگر مادر ایشان التُّوْبِيَّةُ ذکر شده (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳۳۲/۱) که به معنای بانوی آرام و باوقار است اما شاید تصحیف «سبیکه» باشد. بنابراین با مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل نوبه از بهترین افراد و مردمان هستند. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر که می‌خواهد برادر بگیرد و دوست اختیار کند از مردم نوبه بگیرد» (حموی، ۱۹۹۵: ۳۰۹/۵؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۲). با توجه به این خصوصیات و ویژگی‌های آن منطقه، می‌توان اظهار داشت؛ جون شخصیتی ممتاز، شجاع، فداکار و با بصیرت است که همواره به ابوذر و اهل بیت علیهم السلام احترام می‌گذاشت و تا لحظه آخر عمر مبارکش همراه امام حسین علیه السلام ماند و در تاریخ جاودانه شد.

#### آشنایی با ابوذر غفاری

جون غلامی سیه‌چرده و مملوک فضل بن عبدالله بن عبدالمطلب بود. امیرالمؤمنین علیه السلام او را به صد و پنجاه دینار خرید و به ابوذر بخشید (امین، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۴؛ برقعی، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۴). روزی عثمان، خلیفه سوم به ابوذر گفت: اذیت توبه من و اصحابم زیاد شده است، باید به شام بروی و او را از مدینه به شام اخراج کرد. ابوذر در شام به کارهای معاویه اعتراض می‌کرد و لذا معاویه به عثمان در مورد ابوذر نامه‌ای نوشت. عثمان در جواب نوشت: «جندب (ابوذر) را بر چهارپایی سخت و خشن سوار کن و بفرست». معاویه هم ابوذر را همراه کسی فرستاد تا به مدینه آورد در حالی که گوشت

ران هایش ازرنج و تعب ریخته بود. وقتی ابوذر به مدینه رسید عثمان کسی را فرستاد که هر جا می‌خواهی برو. ابوذر گفت: به مکه؟ عثمان گفت: نه! گفت: پس بیت المقدس؟ گفت: نه! گفت: پس به یکی از دوشهر کوفه و بصره؟ گفت: نه! ولی تو را به ریزه<sup>۱</sup> خواهم فرستاد (هلالی، ۱۴۱۶: ۳۹۴). عثمان در سال ۳۰ هجری وقتی که ابوذر را به بیابان خشک ریزه تبعید می‌کرد، فرمانی صادر کرد که کسی حق ندارد او را بدرقه کند. اما امام علی علیه السلام و فرزندانش اعتنایی به آن نکرده و در بدرقه شرکت کرده و فرمودند:

«ای اباذر! همانا تو برای خدا به خشم آمدی، پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی، این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند، و تو بردین خویش از آنان ترسیدی، پس دنیا را که به خاطر آن از تو ترسیدند به خودشان واگذار، و با دین خود که برای آن ترسیدی از این مردم بگیریز...» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۴۷؛ خطبه ۱۳۰).

ابوذر در ریزه اقامت گزید. هنگام مرگ، فقط زوجه اش و جون، غلامش در کنار او بودند (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۳۷۰). مزار ابوذر در آن روستا نهفته است (حموی، ۱۹۹۵: ۲۴/۳).

### در خدمت اهل بیت علیهم السلام

فردی که بصیرت داشته باشد، یعنی درک درست و عمیق از حق و باطل داشته باشد می‌تواند در برابر فتنه‌ها و آشوب‌ها و نیز در برابر جریانات و عرصه‌های سیاسی، در برابر دشمن خوب و موفق عمل کند. چون این شاخصه‌ها را داشت و دلیل وفاداری ایشان به اهل بیت علیهم السلام و همراهی آنان، بصیرت و معرفت وی بود. در حالی که بعد از رحلت ابوذر می‌توانست مسیر زندگی خود را تغییر دهد و مستقل زندگی کند اما به ریسمان اهل بیت علیهم السلام چنگ زد و به خدمت‌گذاری ایشان رسید و در نهایت مدال پرافتخار شهادت را بر گردن خود آویخت.

**الف) امام علی علیه السلام:** هنگامی که ابوذر به ریزه تبعید شد، جون همراه ایشان رفت (امین، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۴؛ برقعی، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۴) اما وقتی ابوذر در سال ۳۲ فوت کرد، به مدینه

۱. یکی از روستاهای مدینه که در سه مایلی آن شهر قرار دارد (حموی، ۱۹۹۵: ۲۴/۳).

برگشت و به حضرت علی علیه السلام پیوست (امین، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۴).

ب) امام حسن علیه السلام: در تاریخ بیان شده است که چون بعد از شهادت امام علی علیه السلام به خانه امام حسن علیه السلام آمد (امین، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۴).

ج) امام حسین علیه السلام: چون بعد از شهادت امام حسن علیه السلام به خدمت امام حسین علیه السلام رسید و همراه امام علیه السلام از مدینه به مکه و سپس از مکه به سمت عراق آمد (امین، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۴). لذا عالمان رجال چون را از اصحاب امام حسین علیه السلام ذکر کرده اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۹۹؛ خویی، ۱۴۱۳: ۱۴۹/۵).

### نقش جون در کربلا

جون در کربلا در کنار خیمه امام حسین علیه السلام بود. چون او متخصص در کار اسلحه سازی بود، خیمه ای به سلاحها اختصاص داشت و وی در آن خیمه مشغول آماده کردن سلاحها بود. این خیمه مجاور با خیمه زین العابدین علیه السلام که بیمار بودند و زینب علیه السلام از او پرستاری می کرد، بود (مطهری، بی تا: ۲۷۵/۱۷). چنانکه نقل شده، امام سجاد علیه السلام فرمودند: «انی جالس في تلك العشية التي قتل ابي صبيحتها، وعمتي زينب عندي تمرضني، إذ اعتزل ابي باصحابه في خباء له، وعنده حوى، مولى ابي ذر الغفاري، وهو يعالج سيفه ويصلحه؛ در شب عاشورا در کنار پدرم نشسته بودم، عمه ام زینب پیش من بود و از من پرستاری می کرد. پدرم در خیمه خویش با یارانش صحبت می کرد، غلام ابوذر غفاری نیز پیش وی بود» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۰/۵).

جون با برپا ساختن خیمه ای ویژه، سلاح خود و امام حسین علیه السلام و اصحاب را تعمیر و اصلاح می کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۰/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۸۵/۳؛ ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۰۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۹۳/۲؛ داودی ورستم نژاد، ۱۳۸۴: ۴۱۱). امام علیه السلام در شب عاشورا چندین کار انجام داد. یکی از کارها این بود که به اصحاب (مخصوصاً افرادی که اهل این فن بودند) دستور داد که همین امشب شمشیرها و نیزه هایتان را آماده کنید، و خودشان هم سرکشی می کردند (مطهری، بی تا: ۳۷۳/۱۷-۳۷۴). البته برخی تصور می کنند که امام علیه السلام خود اسلحه اش را تعمیر و اصلاح می کرد، در حالی که این درست نیست بلکه

جون شمشیر امام علیه السلام را تعمیر و اصلاح می‌کرد (امین، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۴). بنابراین امام علیه السلام از همه افراد در زمینه فعالیت‌های خودشان، استفاده می‌کرد که چون نیازی از آنها بود و در کربلا نقش مؤثری را ایفا کرد.

### اذن میدان

پس از شهادت شماری از یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام، به ویژه بعد از شهادت عَمْرُو بْنُ قُرْطَةَ الْأَنْصَارِيِّ (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۷) چون یار باوفا و بصیر، خدمت امام علیه السلام رسید و از آن حضرت اجازه میدان خواست. امام علیه السلام در پاسخ درخواست وی فرمودند:

أَنْتَ فِي إِذْنِ مَيِّ فَأَمَّا تَبِعْتَنَا طَلَبًا لِلْعَافِيَةِ فَلَا تَبْتَلِ بِطَرِيفِنَا؛

تو از جانب ما آزادی! تو در جستجوی عافیت با ما همراه بودی، پس خویش را در راه ما گرفتار مکن (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۸؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲۹۲/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۵).

امام علیه السلام در این کلام به صراحت فرمودند: «شما اینک آزاد آزادی، راه خویش را بگیر و از این سرزمین برو؛ تو برای آسایش و راحتی و تأمین زندگی و امنیت، همراهی و همکاری ما را برگزیده‌ای، از این رو سرنوشت خویش را به سرنوشت ما گره مزن. دوست من! جهاد و جانبازی و شهادت ما را برای خویش انتخاب مکن، برو به سراغ زندگی‌ات خدا یار و نگهدارت باد» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۲). اما چون که خدمتگذار باوفا و قدردان و شکرگذار اهل بیت علیهم السلام بود، خود را به پاهای حضرت انداخت و ملتمسانه عرض کرد: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا فِي الرَّخَاءِ أَلْحَسُّ قِصَاعَكُمْ وَفِي الشَّدَّةِ أَخَذُكُمْ (نک. ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۵)؛ ای فرزند گرانمایه پیامبر صلوات الله علیه، من در روزگار خوشی و آسایش بر خوان نعمت شما نشستم و از نعمت‌های مادی، معنوی، علمی، فکری، فرهنگی و تربیتی شما بهره‌ها بردم و به دنیای آگاهی و روشن اندیشی و آزادی بال گشودم؛ آیا این از جوانمردی است که اینک شما را در میدان دفاع از حق و مرزهای دین خدا رها کنم و بروم؟ (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

جون در نزد خود علت ممانعت امام علیه السلام را رنگ پوست و نژاد خود دانست و به امام علیه السلام



فرمود: «وَاللَّهِ إِنَّ رِيحِي لَمُنْتِنٌ وَإِنَّ حَسْبِي لَلْئِيمُ وَلَوْ نِي لِأَسْوَدُ فَتَنَفَسَ عَلَيَّ بِالْحِجَّةِ فَتَطِيبَ رِيحِي وَيَشْرُفَ حَسْبِي وَيَبْيِضَّ وَجْهِي لَا وَاللَّهِ لَا أَفَارُكُمْ حَتَّى يَخْتَلِطَ هَذَا الدَّمُ الْأَسْوَدُ مَعَ دِمَائِكُمْ؛ بخدا سوگند می‌دانم بویم ناخوشایند، حَسَبم ناچیز و چهره‌ام سیاه است پس بهشت را بر من ارزانی دار تا بویم خوش و حَسَبم شریف و سیمایم سفید گردد. به خدا سوگند از شما جدا نخواهم شد تا این خون من با خون شما بیامیزد» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۸، ۱۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۵).

جون عشق به اهل بیت علیهم‌السلام را معنا کرد و جواب امتحان کردن امام علیه‌السلام را به زیبایی داد و با تفکر و دوراندیشی به حمایت از امام علیه‌السلام پرداخت: «به خدای سوگند چنین نخواهد شد؛ این نه رسم و فاست و نه راه و رسم جوانمردی و آزادگی. حسین جان! من سیاه پوستم، و رنگ و بوی پیکرم ناخوشایند و رنگ و بوی دیگری است، همان گونه که حسب و نسبم. اجازه دهید تا بوی بهشت و نسیم دل‌انگیز آن بر من وزیدن کند تا هم پیکرم عطرآگین گردد و هم چهره تیره‌ام به سفیدی گراید و هم حسب و نسبم با عمل شایسته و جهاد و فداکاری در راه حق و عدالت پرشرافت شود. حسین جان! نه! به خدای سوگند از شما جدا نخواهم شد، راه دیگری نخواهم رفت، از شما فاصله نخواهم گرفت تا خون من سیاه پوست، با خون پاک و پاکیزه شما بندگان پاک و برگزیده خدا و فرزندان گرانمایه پیامبر که هر دو در راه خدا ریخته می‌شود بیامیزد و من به نیکبختی جاودانه و افتخاری که هماره در آرزوی آن بودم نایل آیم. نه! هرگز از شما جدا نخواهم شد» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۲-۲۳۳).

### جهاد در راه خدا

امام حسین علیه‌السلام که جام دیدگانش غرق در اشک شوق و حماسه بود، جون را در آغوش گرفت، مورد مهر و محبت قرارش داد و به وی اجازه جهاد و فداکاری داد (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۳). البته بنا بر نقلی، «جون بعد از اینکه امام علیه‌السلام با درخواست ایشان مخالفت کردند، خدمت دختر امیر مومنان علیه‌السلام؛ حضرت زینب علیه‌السلام و اطرافیان امام علیه‌السلام رسید تا آنها را شفیع سازد. پس از آن دوباره اجازه جهاد گرفت و وارد میدان رزم شد» (آفاتهرانی، ۱۳۸۵: ۵۱).

جون وارد معرکه جنگ شد در حالی که با شجاعت رجز می خواند:

كيف يرى الكفار ضرب الأسود بالسيف ضربا عن بني محمد  
أذّب عنهم باللسان واليد أرجوبه الجئنة يوم المورد<sup>۱</sup>

«این غلام سیاه پوست مبارز از خاندان پیامبر ﷺ دفاع می کند و از خود هیچ ندارد. هر چه هست از آن خاندان پرافتخار است. آری او از آنان با همه وجود و با دست و زبان دفاع می کند و بر این نعمت و افتخار، خدای را سپاس می گوید و بر خود می بالد». جون با شهامت و شجاعت بسیاری بیست و پنج تن از سپاه دشمن را از پا در آورد (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۳).

### شهادت

امام حسین علیه السلام در لحظات آخر عمر جون، خود را کنار پیکر به خون خفته اورسانید و بر بالین او نشست و نیایشگرانه دست ها را به آسمان گرفت (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۳۳) و در حق او اینگونه دعا فرمود: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَطَيِّبْ رِيحَهُ وَاحْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَعَرِّفْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ خدایا چهره او را سفید گردان، و بوی او را خوش گردان، و او را با ابرار محشور کن و بین او و محمد و آل محمد (در بهشت) آشنایی برقرار ساز» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲/۲۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۲۳). جون بر بالین مولایش امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.

### معجزه امام علیه السلام

یکی از زیبای های کربلا، رابطه مولا با غلام و یارانش است. امام علیه السلام فقط بر بالین شهدای بنی هاشم نیامد بلکه بر بالین همه شهدای کربلا حتی آن غلام سیاه پوست که با عاقبت بخیری، الگوی جهانیان شد، آمد و یاران و اصحاب با دیدار لحظات آخری

۱. ای کفار، ضرب شمشیر سیاه را چگونه می بینید؟ به شمشیر ضربه ای از فرزند محمد، از آنها با زبان و دست حمایت می کنم، در حالی که به بهشت در روز قیامت امیدوارم (حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲/۲۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵-۲۲/۲۳).

امام علیه السلام چشم از جهان بستند. اما در مورد جون داستان متفاوت است؛ زیرا معجزه ماندگار امام حسین علیه السلام حقانیت امام علیه السلام را ثابت کرد. امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

أَنَّ النَّاسَ كَانُوا يَحْضُرُونَ الْمُعْرَكَةَ وَيَدْفِنُونَ الْقَتْلَى فَوَجَدُوا جَوْناً بَعْدَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ يَفُوحُ مِنْهُ رَائِحَةُ الْمِسْكِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛

هنگامی که گروهی در میدان جنگ آمدند تا اجساد شهیدان آل محمد را دفن نمایند جسد این غلام یعنی جون را بعد از ده روز در حالی یافتند که بوی مشک از آن می‌وزید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۴۵).

این واقعه زیبا باعث شد، جون غلام باوفا و با بصیرت؛ شهید «معطر و خوش بو» کربلا لقب بگیرد. شهیدی که خیلی زود دعای امام علیه السلام در حقش در این دنیا برآورده شد. یکی دیگر از زیبایی‌های کربلا و نیز درس‌ها و عبرت‌های عاشورا، تلاش برای کسب رضایت امام علیه السلام و نتیجه دنیوی و اخروی است. جون تمام سعی و تلاش خود را بکار بست تا رضایت و خوشنودی امام علیه السلام را جلب کند، که نتیجه آن برای همگان آشکار شد و جون عاقبت بخیر شد که عطر خوش او باعث شد پیکر مطهرش شناسایی شود.

### نتیجه

یکی از زیبایی‌های کربلا، جهانی بودن نهضت امام حسین علیه السلام است زیرا یاران امام علیه السلام منحصر به مسلمانان مدینه یا مکه نبود بلکه از همه نژادها، مذاهب و ملیت‌ها در خیمه امام علیه السلام قرار داشتند. زیرا ملاک و معیار ایشان، شایستگی و لیاقت بود و فضیلت بر اساس حسب و نسب و فخرفروشی نبوده است. یکی از یاران امام حسین علیه السلام، «جون» غلام سیه چرده ابوذر بود که توسط امام علی علیه السلام خریداری شد و به خانه جناب ابوذر غفاری رفت و سپس در خانه اهل بیت علیهم السلام خدمتگذار شد. جون دارای شخصیتی ممتاز، شجاع، فداکار و با بصیرت است و همواره به ابوذر و اهل بیت علیهم السلام احترام می‌گذاشت. دلیل وفاداری ایشان به اهل بیت علیهم السلام و همراهی آنان، بصیرت و معرفت جون بود. جون در کربلا اثرگذار بود. چون متخصص در کار اسلحه سازی بود، اسلحه و

شمشیر عاشورائیان را تعمیر و اصلاح می‌کرد. چون بعد از شهادت عمربن قُزَظَةَ الْأَنْصَارِيِّ، اذن میدان گرفت و با دلاوری و شجاعت جنگید و به شهادت رسید و با دعای امام عَلِيٍّ شَهِيد معطر و خوش بوی کربلا لقب گرفت به طوری که بعد از ده روز با بوی خوش و معطرش جنازه وی را یافتند و دفن کردند. در زیارت امام حسین عَلِيٍّ در روز عاشورا و در اول ماه رجب و نیمه شعبان نام مبارک ایشان ذکر شده است: السَّلَامُ عَلَيَّ جَوْنِ مَوْلَى أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ.

### منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، ۹ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب (ع)، قم، بی‌نا.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، اللهوف علی قتلى الطفوف، ترجمه فهري، تهران، جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ش)، الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثه) - قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰ش)، لهوف، ترجمه ميرابوطالبی، قم، دليل ما.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۹ق)، إقبال الأعمال (ط - القديمه)، تهران.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله (۱۴۱۲ق)، الإستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت، دار الجيل.
- ابن عماد، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶ق)، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، دمشق، دار ابن كثير.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.
- ابن قانع بغدادی، عبد الباقي (۱۴۲۴ق)، معجم الصحابة، بيروت، دار الفكر.



- ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو (١٤١٩ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ابن مشهدي، محمد بن جعفر (١٤١٩ق)، المزار الكبير، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، به كوشش جمال الدين مير دامادي، بيروت، دارالفكر للطباعة.
- ابن نما حلي، جعفر بن محمد (١٣٨٥ش)، درسوك اميرآزادي، ترجمه علي كرمي، قم، نشر حاذق.
- ابن نما حلي، جعفر بن محمد (١٤٠٦ق)، مثير الأحرار، قم، مدرسه امام مهدي.
- ابو مخنف كوفي، لوط بن يحيى (١٤١٧ق)، وقعة الطّف، قم، جامعه مدرسين.
- اربلي، علي بن عيسى (١٣٨١ق)، كشف الغمه في معرفة الأئمه (ط - القديمة)، تبريز، بني هاشمي.
- امين، محسن (١٤٠٣ق)، أعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- آقانهاني، مرتضى (١٣٨٥ش)، ياران شيداي حسين بن علي (ع)، قم، انتشارات باقيات.
- بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (١٤١٣ق)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)، قم، مؤسسة الإمام المهدي (عج).
- برقي، علي اكبر (١٣٨٤ش)، راهنمای دانشوران در ضبط نامها، نسبها ونسبتها، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
- بستاني، فؤاد افرام (١٣٧٥ش)، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامي.
- بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (١٤١٧)، جمل من انساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار ورياض زركلي، بيروت، دارالفكر.
- ثقفى كوفى، ابواسحاق ابراهيم بن محمد (١٣٧٣ش)، الغارات وشرح حال اعلام آن، ترجمه عزيزالله عطاردى، بي جا، انتشارات عطارد.
- حسيني موسوي، محمد بن أبي طالب (١٤١٨ق)، تسليه المّجالس وزينه المّجالس

- (مقتل الحسين عليه السلام)؛ قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- حموى، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله (١٩٩٥م)، معجم البلدان، بيروت، دارصادر.
- خويى، ابوالقاسم (١٤١٣ق)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواه، [بى جا، بى نا].
- داودى، سعيد ومهدى رستم نژاد (١٣٨٤ش)، عاشورا (ريشه ها انگيزه ها، رويداها پیامدها)، زیر نظر آيه الله مكارم شيرازى، قم، مدرسه الامام على بن ابى طالب (ع).
- دشتى، محمد (١٣٧٩ش)، ترجمه نهج البلاغه، قم، مشهور.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٣٧٤ش)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه وتحقيق غلامرضا خسروى حسيني، تهران، مرتضوي.
- شهيد اول، محمد بن مكى (١٤١٥ق)، المزار، قم، مدرسه امام مهدى عليه السلام.
- شيروانى، زين العابدين بن اسكندر (١٣١٥ش)، بستان السياحه، تهران، احمدى.
- طبرسى، فضل بن حسن (١٣٩٥ق)، إعلام الورى بأعلام الهدى (ط - القديمه)؛ تهران، اسلاميه.
- \_\_\_\_\_ (١٤١٧ق)، إعلام الورى بأعلام الهدى، قم، آل البيت.
- طريحي، فخرالدين بن محمد (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، تهران، مرتضوى.
- طوسى، محمد بن الحسن (١٣٧٣ش)، رجال الطوسى، قم، مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المقدسه.
- \_\_\_\_\_ (١٤٢٥ق)، فهرست كتب الشيعه وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، قم، مكتبه المحقق الطباطبائي.
- \_\_\_\_\_ (١٤٢٧ق)، رجال الطوسى، قم، جماعه المدرسين في الحوزه العلميه بقم، مؤسسة النشر الإسلامى.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب (١٤١٥ق)، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلميه - منشورات محمد على بيضون.
- قرشى بنايى، على اكبر (١٤١٢ق)، قاموس قرآن، تهران، دارالكتب الاسلاميه تهران.

- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳ش)، آثار البلاد واخبار العباد، تهران، امیرکبیر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفه الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسه الطبع والنشر فی وزاره الإرشاد الإسلامی.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، بی نا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار شهید مطهری، نرم افزار نور (آثار شهید مطهری).
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- ناظم زاده قمی، سید اصغر (۱۳۹۲ش)؛ اصحاب امام حسین (ع) از مدینه تا کربلا، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۶ق)، أسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه کتاب سلیم - ایران، قم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی